

حجاب را رود سال نماز، سر در سینه زاننده ملبس در ریتا امروز

خانم ها آقاها عزیز

بگفت دیدید با بیز دو نوروزی انجمن فرحنا بودا

خبر آمد

اصابه بدبختی صد کله در باره قدت تاریخی نوروز خدمت

مگر بیم دست خاتم هدایت ز اسیر بنام تزلزل گوسنده قلوب

زان خواسر خفیم کرد اثر بر اسارت فرانسه ز بان

ترانه

سیرت ... ۵۵۵ ... آریاها ها بر این جاور بوده

که مقام رت جبرها مستقیم روح و یاد و انش بنام

د آن بان « فزه و هر » « و فزه هر » مکتبه

ار کاله جوامع و مکتبها بنام اخترا ان رفته در آنجا

صبا معرفت و زبند اوله میراد این فزه در حجاب

پان فزه « رت که امروز حقه بعضا از آنجا

وید ضامن ها که در این سال هفتاد هشتاد و آن آدینکه

در ببالاسر ... تقارن ... در در این محله

مقام آریاها بر این تقدر بوده که هر سال دیماه

فرد در این فدهها زبیر و بدار بازمانده جان میماند

لذا این بازماندهگان بر این چگونگی آنها بر سر تپه ها و با هم

رفته آتش روشن کرده که را همون آنان باشد

این چید از رفتن شب آخون چهارشنبه سال بود

که چهارشنبه هر آن نام داشت

سزیده روزی از آغاز سال هفتاد و نهم بابت فزودها
 مردم آنها را تا بیرون از شهر بردند و همه آنها را کشته
 و کشتند و پیکرهای میر را خفتند. لغز از آن سال کشته
 و ما از اینان هفتاد و نهم را رسم را بنام سزیده و دیگر بزرگان
 و اعاذیکها از همین روزها (اول فزودین) کشته
 همیشه ماهی است، ایران هفتاد و نهم از آذربایجان
 در قزاق کردستان تحت پادشاهی سزیده را کشته است.
 سر برده ها آن منشته تاجی است که پادشاهان
 رفته خود را بر این تاجیه و انوکاسر همان را سفرد
 مردم هلهه کنان فزایدند روزی روزی
 و لغز روزی پادشاهان
 ضامن آقاها در آن غزیر از حصه است در این مکتب
 لغز از طرف لغز اعضا به کتبت مدبره المکتب فزود
 ایران در آن سزیده

جذب در دو سال تمامه شد در این روزها منزه ملبس در این ایام

خانم ها آقاها عزیز

بگن دیده بیدار بودم از این کجاست فرقتها بر او فراتر

خوب آمد

اصابه بد بخت صندل در باره قدت تا بحال نور و خدمت

مگر بگویم در این خانم هدیه از این بر بنام تازد گوینده تقدیر و

فراتر خواهم کرد آنرا بر این صورت ن فراتر زبانه

ترتیب